

چگونگی آموزش تحمل و احترام به افتخار دیگران و اخلاق و ادب در محیط مدارس مطالعه موردی:

دانش آموزان ابتدایی استان اردبیل

اسماعیل سلیمانی^{۱*}، رقیه نوری پورلیاوی^۲، حسن احمدی^۳ و سیمین حسینیان^۴

چکیده

هدف تحقیق حاضر، چگونگی آموزش تحمل و احترام به افکار دیگران و اخلاق و ادب در محیط مدارس برای دانش آموزان ابتدایی استان اردبیل بود. برای نیل به این هدف از مطالعه موردی استفاده شد که در ابتدا داده‌های کیفی و سپس بر اساس یافته‌های آن، داده‌های کمی نیز گردآوری و تحلیل شدند. در مرحله بعد بر مبنای یافته‌های حاصل از مرحله پژوهش کیفی، پرسشنامه تهیه شد که آلفای کرونباخ آن ۰/۹۰ به دست آمد. جامعه آماری تحقیق معلمان دوره ابتدایی اردبیل بود؛ که در بخش کیفی و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۱۳ نفر از معلمان نمونه تحت مصاحبه قرار گرفتند و از بین جامعه ۲۵۳ نفری تعداد ۱۱۴ نفر در مرحله کمی به صورت روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل موضوعی (تم) استفاده شد و روایی یافته‌های پژوهش با استفاده از روش‌های بازبینی توسط اعضا، بررسی همکار، مشارکتی بودن پژوهش تضمین شد. همچنین به منظور سنجش پایایی کدگذاری‌های انجام‌شده، از روش‌های پایایی باز آزمون و توافق درون موضوعی استفاده شد. به منظور تحلیل داده‌های کمی از مدل معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که معلمان به عوامل آموزش فلسفه برای کودکان، برگزاری کارگاه‌های فرهنگی برای والدین، تولید محتوای اخلاقی، آموزش درک تنوع فرهنگی، بهبود مهارت‌های ارتباطی دانش آموزان، ایجاد بحث گروهی در کلاس، قدردانی از دانش آموزان با اخلاق، اجرای برنامه

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه ارومیه، آذربایجان غربی، ارومیه، ایران.
E.soleimani@urmia.ac.ir

۲. دانش آموخته دکتری گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
nooripour.r@gmail.com

۳. دکترای مدیریت آموزشی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، اردبیل

۴. استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
Hosseins1381@yahoo.com



آموزشی اخلاق به‌عنوان مؤلفه‌های آموزش تحمل و احترام به افکار دیگران و اخلاق و ادب در محیط مدرسه اشاره کرده‌اند. نتایج مرحله کمی نشان داد که مدل دارای برازش مناسبی است و تمام این مؤلفه‌ها از نظر معلمان مهم تلقی می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: آموزش پرورش، تحمل افکار دیگران، ادب و احترام، اخلاق، استان اردبیل

مقدمه

آموزش و پرورش قوی‌ترین عامل تعیین‌کننده سرمایه انسانی است (وینر، وارد، بونل، مک داد و پاتن^۱، ۲۰۱۷). تغییراتی که تا به حال بر جهان آموزش و پرورش تأثیر گذاشته، گام مهمی برای آغاز روند بازبینی مؤسسات آموزشی است (کوستا، فالمر و اندرسون^۲، ۲۰۱۸). از این رو آموزش و پرورش از جمله سازمان‌هایی است که در همه جوامع از حساسیتی خاص برخوردار است. این حساسیت بیشتر به آن دلیل است که عملیات داخلی آن در معرض دید همگان و مورد قضاوت عام قرار می‌گیرد. سیر تغییر و تحولات و پیشرفت‌های اجتماعی نیاز به آموزش و پرورش اثربخش را ضروری می‌کند (مهربان، امیرخانی و ابولقاسمی، ۲۰۱۹).

یکی از چالش‌های اصلی دوران کودکی، قواعد اجتماعی محیط پیرامون کودک است. قواعد اخلاقی که از انواع قواعد اجتماعی است، مشوق افراد برای انجام دادن اعمال خیر و ضامن درستکاری و مشخص‌کننده اعمال خوب از بد است. مثلاً، مردم مجاز نیستند که همدیگر را بکشند، دروغ بگویند، یا اموال دیگری را بردارند. این قواعد در هر جامعه برای کنترل رفتارهای نادرست و هدایت آن‌ها به راه راست وجود دارد. به علاوه کودکان باید هم قواعد اخلاقی و هم قوانین اجتماعی را یاد بگیرند که شاید در موقعیت‌های مختلف تفاوت‌های بسیاری بین آن‌ها وجود داشته باشد. قوانین اجتماعی اصولاً برای راهنمایی و تشخیص رفتارهای درست و غلط برای کودکان طراحی شده است (دسیتی، کاول، لی، ماهاسنه، مالکوم-اسمیت، سلوک و ژو^۳، ۲۰۱۵).

مطالعه اینکه کودکان چگونه این قوانین را بفهمند و اجرا کنند معمولاً با عنوان اخلاقی

1. Viner, Hargreaves, Ward, Bonell. Mokdad and Patton
2. Costa, Fulmer and Anderson
3. Decety, Cowell, Lee, Mahasneh, Malcolm-Smith, Selcuk and Zhou



بودن یا رشد اخلاقی مطرح شده است. انسان با حس اخلاقی متولد می‌شود. این حس در خانواده ظاهر می‌شود، از معلم‌الگو می‌گیرد و از طریق اجتماع تغذیه می‌شود (توریل^۱، ۲۰۱۵). در حقیقت، خانواده، مدرسه و اجتماع قواعد اخلاقی را آموزش می‌دهند که بر اساس اصول عدالت و در نظر گرفتن حقوق دیگران وضع شده است، اما اینکه کودکان چطور میل درونی برای پیروی از قواعد اخلاقی را پیدا می‌کنند، در طی مراحل رشد متفاوت است. قضاوت اخلاقی به چگونگی نظر شخص درباره مقررات، آداب، رسوم و هنجارهایی که مردم باید در تعامل با دیگران رعایت کنند و برداشت او از آن‌ها اشاره دارد که با رشد فکری و به تبع آن رشد اخلاقی همراه با افزایش سن در افراد تکامل می‌یابد (کیلن و سامانتا^۲، ۲۰۱۵). از طرف دیگر تنوع فرهنگی را به عنوان بخشی از میراث مشترک بشریت که منبعی برای مبادله داده‌ها، خلاقیت و نوآوری است، می‌توان با تنوع زیستی در جهان طبیعت مقایسه و آن را لازمه زندگی بشری به‌شمار آورد. تنوع فرهنگی در بافت دانش‌آموزی، محتمل‌ترین رویدادی است که در آینده مدارس نقش خواهد داشت. این موضوع به‌گونه‌ای چشمگیر اهمیت توجه به تنوع قومی، تنوع مذهبی و گروه‌های اقلیت را در جامعه و به‌ویژه در مدارس به‌عنوان مؤثرترین نهاد اجتماعی در شکل‌گیری فرهنگ اجتماعی بالا می‌برد (وایت، پیرس و جاکوبیتز^۳، ۲۰۱۹).

مهم‌ترین هدف مدیریت منابع انسانی در مدارس، یکی کردن جهت اهداف فردی و جمعی دانش‌آموزان در راستای افزایش مشارکت اجتماعی آن‌ها است. این مهم به‌دست نمی‌آید مگر آن‌که مدیران به تفاوت‌های فرهنگی تک‌تک دانش‌آموزان به چشم عاملی مهم بنگرند. روی هم رفته، مدیریت تنوع به توانایی شرکت در فعالیت‌های جذاب، حفظ و تسهیل روابط کاری میان افراد با یک زمینه متفاوت برمی‌گردد (قلی‌زاده، کشتی‌آرای و سهرابی رنانی، ۱۳۹۰).

اهتمام به اخلاق در مدارس غیرممکن نیست، اما دشوار است. آموزش اخلاقی اگرچه لازم است، ولی کافی نیست. حاصل آن نظم‌دادن و منضبط بار آوردن است که البته، عمر و دوام زیادی ندارد. بیشتر به اطاعتی منفی و مطلق می‌انجامد که در نتیجه فعالیت بدنی دانش‌آموز در مدرسه است. از نظر برخی دانشمندان، کودک اصول اخلاقی خود را تا سن شش‌سالگی کسب می‌کند و لذا آموزش رسمی اخلاق در مدرسه به‌تنهایی چندان تأثیری در اخلاقی کردن وی

1. Turiel
2. Killen and Smetana
3. White, Peirce and Jacobowitz



نخواهد داشت. در واقع اگر آموزش اخلاقی با زیرساخت‌های فطری و قلبی آدمی سازگار نباشد، حاصلی جز ریا و نفاق ندارد و به آسانی، تربیت شکل ریایی به خود می‌گیرد و اخلاق به ضد اخلاق بدل می‌شود (توم، هوسی و تیری^۱، ۲۰۱۵). به همین جهت است که مدیران و معلمان اغلب گله‌مند هستند که با وجود اندرزهای اخلاقی که در کتب درسی گنجانده شده و سخنانی که در خلال برنامه صبحگاهی برای بچه‌ها ایراد می‌شود و با وجود شعار و جمله جالبی که بر در و دیوار مدرسه وجود دارد، بازهم رفتارهایی مثل تقلب، دروغ‌گویی، بی‌نظمی، خشونت و پرخاشگری اسباب زحمتشان است. واقعیت این است که بچه‌ها آن اندازه که تحت تأثیر رفتار و کردار بزرگ‌ترها قرار می‌گیرند به گفتار هر چند زیبا و اغواکننده آن‌ها واقعی نمی‌نهند. به‌ویژه در روزگار امروز که به یمن گسترش اطلاعات در رسانه‌های گوناگون، سطح معلومات و دانش آن‌ها در مسائل اخلاقی و اعتقادی بالا رفته است. مثلاً گاهی با تماشای یک فیلم مذهبی، بهتر و بیشتر از معلم خود که می‌کوشد قصه آن را بازگوید، به موضوع اشراف دارند و کم‌وبیش اشتباهات احتمالی معلمشان را هم یادآور می‌شوند. با این حال، همه این‌ها نوعی باور دانشی است و هنوز مانده تا به باور قلبی یعنی تربیت اخلاقی برسد (بیستا^۲، ۲۰۱۵). یکی دیگر از چالش‌های اصلی دوران کودکی قواعد اجتماعی محیط پیرامون کودک است. قواعد اخلاقی، که از انواع قواعد اجتماعی است، مشوق افراد برای انجام دادن اعمال خیر و ضامن درستکاری و مشخص‌کننده اعمال خوب از بد است (فرنیا، موسوی، پارسامهر، علیخانی، گلشنی، نوری‌پور و مرادی، ۱۳۹۶).

رادمنش و سعدی‌پور (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی در انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر تهران به این نتیجه دست یافتند که انگیزش و پیشرفت تحصیلی، گروه آزمایش از دانش‌آموزان که تحت تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند، نسبت به گروه کنترل، بیشتر است. از یافته‌های این پژوهش می‌توان برای بهبود پیشرفت تحصیلی و انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان استفاده کرد؛ بنابراین، می‌توان گفت، هدف همه فعالیت‌های آموزشی بهبود انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است که در سایه آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌تواند افزایش

1. Toom, Husu and Tirri
2. Biesta



معناداری داشته باشد. وحدانی اسدی، نوروزی، فردانش، علی‌آبادی و باقری (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان اعتباریابی الگوی طراحی آموزشی، برای آموزش اخلاق به این نتیجه دست یافتند که آموزش بر اساس الگوی طراحی آموزشی پیشنهادی سبب ارتقاء سطح رشد اخلاقی دانش‌آموزان و رفتار نظم آن‌ها شده است. موسوی، فتاحی، زارع بیدکی و فلاح (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان نقش معلم در تربیت اخلاقی جامعه به این نتیجه دست یافتند که آموزش و پرورش زمینه‌ساز رشد فکری، اخلاقی، فرهنگی و تربیتی انسان‌های یک جامعه پویاست. معلم با توجه به نفوذ معنوی و نقش الگویی خود در بین دانش‌آموزان، به‌عنوان رکن اصلی در پیشبرد این هدف محسوب می‌شود. معلم با محتوایی که در اختیار او قرار داده می‌شود، برای رسیدن به هدف تلاش می‌کند، ملاک‌های اخلاقی از جمله ملاک‌هایی است که در گزینش و ارائه محتوای تربیتی به آن‌ها توجه می‌شود. قلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان مهارت‌های مدیریت تنوع فرهنگی پاسخی به مطالبات دانش‌آموزان اقلیت‌های قومی و مذهبی به این نتیجه دست یافتند که مقدار مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان شیعه بود. میانگین مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان برحسب مقدار به‌کارگیری مهارت‌های مدیریت تنوع دینی - مذهبی و برحسب مقدار به‌کارگیری مهارت‌های مدیریت تنوع قومی - نژادی مدیران، متفاوت و معنادار بود. راین^۱ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان مسائل اخلاقی در آموزش به این نتیجه دست‌یافت که برنامه‌های بهداشت جهانی باید به چهار اصل سودمند بودن، عدم پذیرش، احترام به استقلال و عدالت برای دانشجویان باشد. با توجه به آنچه گفته شد هدف پژوهش حاضر، چگونگی آموزش تحمل و احترام به افکار دیگران و اخلاق و ادب در محیط مدارس که مطالعه موردی دانش‌آموزان ابتدایی استان اردبیل بود.

روش

به منظور دستیابی به توصیفی عمیق و غنی از تجارب، نگرش و ادراک شرکت‌کنندگان نسبت به آموزش تحمل و احترام به افکار دیگران و اخلاق و ادب در محیط مدارس از روش‌های پژوهش آمیخته استفاده شد؛ بنابراین، روش بررسی موردی بود و در این راستا نیز سعی شد تا

1. Raine

هم از داده‌های کیفی و هم از داده‌های کمی برای نیل به هدف یادشده استفاده شود. بررسی موردی پژوهشی است که پژوهشگر به جست و جوی ژرف یک برنامه، رخداد، فعالیت، فرآیند و حتی یک موضوع در یک یا چند نفر اقدام می‌کند (کرسول^۱، ۲۰۱۴). از لحاظ مبنای داده‌ها، دارای طرح تحقیق آمیخته است که با استفاده از مدل آمیخته و طرح اکتشافی انجام می‌شود، این طرح با جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کیفی شروع می‌شود و سپس مرحله دوم ایجاد می‌شود که در آن داده‌های کمی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شوند. مرحله دوم کمی مطالعه بر مبنای مرحله اول یا متصل به مرحله ابتدایی کیفی طراحی می‌شود (بنز، ریدنور و نیومن^۲، ۲۰۰۹). در نتیجه یافته‌های پژوهش بستر محور بوده و با قاطعیت بیشتری نشان‌دهنده واقعیات موجود در آموزش و پرورش خواهند بود.

جامعه آماری این پژوهش معلمان نمونه و مجرب دوره ابتدایی آموزش و پرورش استان اردبیل هستند؛ بنابراین به منظور انجام نمونه‌گیری در مرحله کیفی، از نمونه‌گیری نظری استفاده شد. در نمونه‌گیری نظری از نمونه‌هایی مصاحبه به عمل آمد که از لحاظ هدف‌های پژوهش دارای اطلاعات غنی هستند. در این روش، نمونه‌گیری وقتی خاتمه می‌یابد که هر مقوله به اشباع نظری برسد. در نهایت داده‌ها از طریق مصاحبه با ۱۳ نفر از معلمان نمونه و مجرب دوره ابتدایی گردآوری شد. تمامی مصاحبه‌ها با مدرسان به صورت رودررو و فردی در زمان کاری شرکت‌کنندگان در مکانی ساکت مانند کلاس، یا دفتر کار معلمان بین ساعات ۸ صبح تا ۴ بعدازظهر در مدت ۵ ماه انجام شد. میانگین زمان مصاحبه ۴۵ دقیقه (بین: ۲۵ تا ۵۷ دقیقه) بود. مصاحبه با معلمان به صورت مصاحبه رودررو و فردی انجام شد. مدت زمان مصاحبه بین ۲۵ دقیقه تا ۷۵ دقیقه بود و تا کسب توصیفی غنی از موضوعات مربوط به پژوهش ادامه می‌یافت. در تمامی مصاحبه‌ها از دستگاه ضبط صوت برای ضبط مصاحبه‌ها استفاده شد.

برای حصول اطمینان از روایی پژوهش و به منظور اطمینان خاطر از دقیق بودن یافته‌ها از دیدگاه پژوهشگر، مشارکت‌کنندگان یا خوانندگان گزارش پژوهش اقدامات زیر انجام شد؛ مشارکت‌کنندگان گزارش نهایی مرحله نخست، فرایند تحلیل یا مقوله‌های به‌دست‌آمده را بازبینی و نظر خود را در ارتباط با آن‌ها ابراز خواهند کرد. دیدگاه‌های ایشان در پارادیم

1. Creswell
2. Benz, Ridenour and Newman



کدگذاری محوری اعمال شد. علاوه بر اساتید راهنما و مشاور یک نفر از اساتید رشته مدیریت آموزشی که در انجام پژوهش کیفی از تبحر لازم برخوردار بوده و چند نفر از دانشجویان دکتری مدیریت آموزشی، به بررسی پارادایم کدگذاری محوری، یافته‌ها و اظهارنظر درباره آن‌ها اقدام کردند. به‌طور هم‌زمان از مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد.

همچنین، برای محاسبه پایایی کدگذاری‌های انجام‌شده، از روش‌های پایایی باز آزمون و پایایی توافق بین دو کدگذار (توافق درون موضوعی) استفاده شد. در پایایی باز آزمون از میان مصاحبه‌های انجام‌شده، تعداد ۳ مصاحبه انتخاب‌شده و هرکدام از آن‌ها دو بار در یک‌فاصله زمانی ۱۵ روزه توسط پژوهشگر کدگذاری شد. پایایی توافق بین دو کدگذار در این پژوهش ۸۲ درصد به‌دست آمد که چون بالاتر از ۶۰ درصد است، لذا پایایی بین دو کدگذار نیز تأیید شد. در آخر به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از فن تحلیل موضوعی (تم) استفاده شد و مراحل (۱) مرور داده‌ها؛ (۲) سازمان‌دهی داده‌ها؛ (۳) کدگذاری داده‌ها؛ (۴) طبقه‌بندی داده‌ها؛ (۵) مقوله‌بندی؛ (۶) ایجاد موضوع (تم) و (۷) تدوین گزارش دنبال شد. در بخش کمی، تعداد ۱۱۴ نفر از معلمان ابتدایی استان اردبیل با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شد. در این بخش از روایی صوری برای سنجش روایی پرسشنامه محقق ساخته‌شده از مرحله کیفی استفاده شد که دارای روایی مناسبی بود و سپس از ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی پرسشنامه استفاده شد که ۰/۹۰ بود که ضریب قابل قبولی برای پایایی است. برای تحلیل داده‌های کمی نیز از آزمون معادلات ساختاری استفاده شد.

نظر به ارتباط ملموس معلمان مجرب و نمونه با مسأله پژوهش از آن‌ها خواسته شد تا در مطالعه شرکت کرده و به مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته پژوهشگر پاسخ دهند. آنچه در ادامه می‌آید، نتایج یافته‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با آن‌ها است. به‌منظور سازمان‌دهی بهتر یافته‌ها، هرکدام از یافته‌ها در ارتباط با سؤالات پژوهش بررسی می‌شوند.

جدول ۱: مؤلفه‌های آموزش تحمل و احترام به افکار دیگران

مقوله استخراج شده	نمونه کدها (مفاهیم شناسایی شده)	کد مصاحبه‌شونده	تعداد افراد اشاره‌کننده به عامل	درصد فراوانی
مؤلفه‌های آموزش تحمل و احترام به افکار دیگران	آموزش فلسفه برای کودکان	م ۱، م ۳، م ۴، م ۵، م ۶، م ۷، م ۸، م ۹، م ۱۰	۹ نفر	۶۹٪
	اجرای برنامه آموزشی اخلاق	م ۱، م ۲، م ۴، م ۵، م ۶، م ۷، م ۸، م ۱۲، م ۱۳	۹ نفر	۶۹٪
تولید محتوای اخلاقی در کتاب‌های درسی	آموزش درک تنوع فرهنگی	م ۱، م ۲، م ۴، م ۵، م ۶، م ۷، م ۱۳	۷ نفر	۵۳٪
	بهبود مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان	م ۱، م ۳، م ۴، م ۵، م ۶، م ۷، م ۸، م ۹، م ۱۰	۸ نفر	۶۱٪
ایجاد بحث گروهی در کلاس	بهبود مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان	م ۱، م ۲، م ۴، م ۵، م ۶، م ۷، م ۹	۶ نفر	۴۶٪
	برگزاری کارگاه‌های فرهنگی برای والدین	م ۱، م ۲، م ۴، م ۵، م ۶، م ۷، م ۹	۶ نفر	۴۶٪
قدردانی از دانش‌آموزان با اخلاق	م ۱، م ۲، م ۴، م ۵، م ۶	۵ نفر	۳۸٪	

همان‌طور که در جدول (۱) مشخص شد معلمان به عوامل آموزش فلسفه برای کودکان، برگزاری کارگاه‌های فرهنگی برای والدین، تولید محتوای اخلاقی، آموزش درک تنوع فرهنگی، بهبود مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان، ایجاد بحث گروهی در کلاس، قدردانی از دانش‌آموزان با اخلاق، اجرای برنامه آموزشی اخلاق اشاره کردند.

در این بخش به نظر مصاحبه‌شونده (۹) در رابطه با آموزش فلسفه برای کودکان اشاره می‌کنیم:



«به نظر می‌آید فلسفه برای کودکان، شاید تازه‌ترین و بزرگ‌ترین گامی است که در راستای تلاش برای کاربردی کردن فلسفه و آموزش عملی تفکر انتقادی و باهدف تقویت و بالا بردن مهارت‌های استدلال، داوری و قدرت تمیز برداشته شده است. این برنامه، نمونه روشنی از کاربرد فلسفه در تربیت است، اما با دیگر برنامه‌های فلسفه کاربردی تفاوت اندکی دارد و آن اینکه این برنامه می‌خواهد به شاگردان کمک کند تا خودشان کار فکری انجام دهند و مسائل را خودشان حل کنند. هدف کلی برنامه فلسفه برای کودکان، ایجاد «مباحثه فلسفی» به وسیله آفرینش «اجتماع پژوهشی» در سطح کلاس است که به نظر در مباحث اخلاقی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک شایانی کند.»

به منظور سنجش دقیق‌تر داده‌های به دست آمده در بخش کیفی، داده‌های کمی نیز گردآوری شد تا بتواند مبنای اطلاعاتی دقیق‌تری فراهم کند. بر اساس سؤالات مطرح شده در بخش کمی، یافته‌های به دست آمده تجزیه و تحلیل می‌شوند. پرسشنامه محقق ساخته بر اساس مؤلفه‌های به دست آمده دارای ۲۴ سؤال و برای هر شاخص سه سؤال آورده شده است.

جدول ۲: جدول علائم اختصاری، مقادیر آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و AVE برای مؤلفه‌های پرسشنامه تحقیق

شاخص	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE
آموزش فلسفه برای کودکان	۰/۷۸۴	۰/۸۳۰	۰/۶۲۳
اجرای برنامه آموزشی اخلاق	۰/۸۶۱	۰/۹۱۲	۰/۸۱۱
تولید محتوای اخلاقی در کتاب‌های درسی	۰/۷۹۱	۰/۸۶۷	۰/۶۸۶
آموزش درک تنوع فرهنگی	۰/۶۹۶	۰/۸۲۷	۰/۶۰۰
بهبود مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان	۰/۸۵۲	۰/۹۱۰	۰/۷۹۱
ایجاد بحث گروهی در کلاس	۰/۷۷۳	۰/۸۷۰	۰/۷۱۱
برگزاری کارگاه‌های فرهنگی برای والدین	۰/۸۵۴	۰/۹۱۹	۰/۸۷۰
قدردانی از دانش‌آموزان با اخلاق	۰/۷۶۳	۰/۸۴۶	۰/۷۳۴
تحمل افکار دیگران	-	-	-

همان‌طور که از جدول (۲) مشخص است، مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی در تمامی مؤلفه‌ها بزرگ‌تر از مقدار ۰/۷ است؛ بنابراین، پایایی پرسشنامه پژوهش مورد تأیید است.

همچنین مقدار AVE تمامی شاخص‌های پژوهش بالاتر از مقدار ۰/۵ است؛ بنابراین، روایی همگرای سؤالات پرسشنامه‌ها نیز مورد قبول هست.

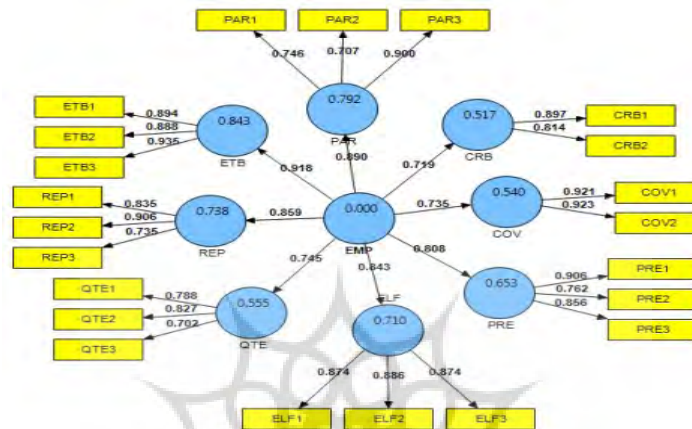
در این مرحله به آزمون روابط بین سازه‌های تحقیق اقدام شد. برای این منظور، مدل پژوهش در نرم‌افزار PLS پیاده‌سازی شد. بررسی و تحلیل مدل‌های اندازه‌گیری در مراحل اولیه مطالعات تأیید مفیدی بوده، چراکه می‌تواند به ارزیابی ابزار پژوهش و توسعه سازه‌ها کمک کند. همچنین تحلیل مدل‌های ساختاری روشنگر نقاط ضعف نظری بود و به تفسیر یافته‌های پژوهش کمک کرده و در طرح مطالعات آینده سهم عمده‌ای داشته باشد؛ بر این اساس مدل‌سازی معادلات ساختاری شامل دو مرحله عمده تدوین مدل و آزمون مدل است. در تدوین مدل محقق با استفاده از کلیه نظریات مرتبط، پژوهش و اطلاعات در دسترس به طرح مدل می‌پردازد و در این مرحله مدل روابط علی بین متغیرها را توصیف می‌کند. ارتباطات بین متغیرها می‌تواند مبین سؤالاتی باشد که روابط علی بین متغیرهای مشهود و مکنون را از فضای تئوریک استنتاج کرده‌اند. مرحله بعدی آزمون برازندگی و میزان انطباق این نظریه‌ها با داده‌های تجربی است که از جامعه‌ای معین گردآوری شده‌اند.

آزمون برازش الگوی مفهومی

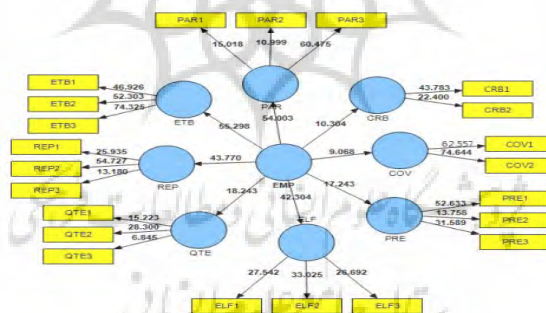
هدف از ارزیابی برازش کل مدل این است که مشخص شود تا چه حد کل مدل با داده‌های تجربی مورد استفاده سازگاری و توافق دارد. مجموعه وسیعی از معیارها و شاخص‌های برازندگی^۱ وجود دارند که می‌توانند برای اندازه‌گیری برازش کل مدل استفاده شوند. متأسفانه هیچ‌کدام از این‌ها در تمام جهات نسبت به بقیه برتری ندارند؛ زیرا یک شاخص برازندگی خاص بسته به حجم نمونه، روش تخمین، پیچیدگی مدل، مفروضات مربوط به نرمال بودن یا ترکیبی از شرایط فوق به‌طور متفاوت عمل می‌کند. از این‌رو افراد مختلف بسته به شرایط مدل ممکن است از شاخص‌های مختلفی برای برازش مدل استفاده کنند. در این بخش، الگوی مفهومی پژوهش در قالب دیاگرام مسیر ترسیم و با استفاده از روش‌های مختلف برازش آن سنجیده می‌شود. یک مدل کامل معادلات ساختاری در حقیقت بیان‌کننده آمیزه‌ای از نمودار مسیر و تحلیل عاملی تأییدی است. در شکل‌های ۱ و ۲ ضرایب تخمین استاندارد و اعداد



معناداری مدل ساختاری پژوهش مشاهده می‌شود. برخی از شاخص‌های برازش نیز در قسمت انتهایی این شکل‌ها قابل رؤیت هستند.



شکل ۱: ضرایب تخمین استاندارد مدل ساختاری پژوهش



شکل ۲: اعداد معناداری مدل ساختاری پژوهش

قبل از اینکه درباره مدل استخراج شده بحث و نتیجه‌گیری شود، نیکوئی برازش مدل را بررسی خواهیم کرد.

بررسی کفایت مدل

الف) معیار Q^2

معیار Q^2 قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌کند و در صورتی که مقدار آن در مورد یک سازه درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را کسب کند، به ترتیب نشان از قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه یا سازه‌های برون‌زای مربوط به آن را دارد. نتایج جدول فوق معیار Q^2 در زیر نشان از قدرت پیش‌بینی مناسب مدل در خصوص سازه‌های درون‌زای پژوهش دارد و برازش مناسب مدل ساختاری را تأیید می‌کند. مقدار Q^2 برای تمامی مؤلفه‌های درون‌زا طبق جدول ۲ بالاتر از مقدار ۰/۳۳ محاسبه شده است که با توجه به مقدار ملاک، مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید می‌کند.

ب) معیار GOF

شاخص دیگری که برای برازش توسط تنون هاوس و همکاران (۲۰۰۵) معرفی شده است، ملاک کلی برازش (GOF) است که با محاسبه میانگین هندسی میانگین اشتراک و R^2 به صورت زیر محاسبه می‌شود.

این شاخص نیز همانند شاخص‌های برازش مدل لیزرل عمل می‌کند و بین صفر تا یک قرار دارد و مقادیر نزدیک به یک نشانگر کیفیت مناسب مدل هستند. البته، باید توجه داشت این شاخص همانند شاخص‌های مبتنی بر «خی دو» در مدل‌های لیزرل به بررسی میزان برازش مدل نظری با داده‌های گردآوری شده نمی‌پردازد. بلکه، توانایی پیش‌بینی کلی مدل را بررسی می‌کند و اینکه آیا مدل آزمون شده در پیش‌بینی متغیرهای مکنون درون‌زا موفق بوده است یا نه. مقدار GOF برای مدل پژوهش طبق جدول (۳) مقدار ۰/۶۹۴ محاسبه شده است که نشان از توان مناسب مدل در پیش‌بینی متغیرهای مکنون درون‌زای مدل دارد.

جدول ۳: مقادیر Q^2 ، R^2 و communality

communality			شاخص
۰/۶۲۳	۰/۷۹۲	۰/۴۸۷	آموزش فلسفه برای کودکان
۰/۸۲۱	۰/۸۴۳	۰/۶۹۰	اجرای برنامه آموزشی اخلاق
۰/۶۸۶	۰/۷۳۸	۰/۵۰۰	تولید محتوای اخلاقی در کتاب‌های درسی
۰/۶۰۰	۰/۵۵۵	۰/۳۳۲	آموزش درک تنوع فرهنگی
۰/۷۷۱	۰/۷۱۰	۰/۵۴۰	بهبود مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان
۰/۷۱۱	۰/۶۵۳	۰/۴۶۱	ایجاد بحث گروهی در کلاس
۰/۸۵۰	۰/۵۴۰	۰/۴۶۰	برگزاری کارگاه‌های فرهنگی برای والدین
۰/۷۳۴	۰/۵۱۷	۰/۳۷۳	قدردانی از دانش‌آموزان بااخلاق
۰/۷۲۰	۰/۶۶۹	-	میانگین

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر چگونگی آموزش تحمل و احترام به افکار دیگران و اخلاق و ادب در محیط مدارس برای دانش‌آموزان ابتدایی استان اردبیل بود. نتایج یافته‌های مرحله اول نشان داد که معلمان به عوامل آموزش فلسفه برای کودکان، برگزاری کارگاه‌های فرهنگی برای والدین، تولید محتوای اخلاقی، آموزش درک تنوع فرهنگی، بهبود مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان، ایجاد بحث گروهی در کلاس، قدردانی از دانش‌آموزان بااخلاق، اجرای برنامه آموزشی اخلاق به‌عنوان مؤلفه‌های آموزش تحمل و احترام به افکار دیگران و اخلاق و ادب در محیط مدرسه اشاره کردند. نتایج دیگر یافته‌های پژوهش نشان داد که از نظر معلمان همه مؤلفه‌ها برای بهبود رفتار دانش‌آموزان در جهت مثبت مهم تلقی می‌شود. نتایج پژوهش حاضر هم‌راستا با پژوهش‌های قبلی است. موسوی، فتاحی، زارع بیدکی و فلاح (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان نقش معلم در تربیت اخلاقی جامعه به این نتیجه دست یافتند که آموزش و پرورش زمینه‌ساز رشد فکری، اخلاقی، فرهنگی و تربیتی انسان‌های یک جامعه پویاست. معلم با توجه به نفوذ معنوی و نقش الگویی خود در بین دانش‌آموزان، به‌عنوان رکن اصلی در پیشبرد این هدف محسوب می‌شود. معلم با محتوایی که در اختیار او قرار داده می‌شود، برای رسیدن به هدف تلاش می‌کند، ملاک‌های اخلاقی از جمله ملاک‌هایی است که در گزینش و ارائه محتواهای تربیتی به آن توجه می‌شود. وحدانی اسدی



(۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان اعتباریابی الگوی طراحی آموزشی، برای آموزش اخلاق به این نتیجه دست یافتند که آموزش بر اساس الگوی طراحی آموزشی پیشنهادی سبب ارتقاء سطح رشد اخلاقی دانش‌آموزان و رفتار نظم آن‌ها شده است. رادمنش و سعدی‌پور (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی در انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر تهران به این نتیجه دست یافتند که انگیزش و پیشرفت تحصیلی گروه آزمایش از دانش‌آموزان که تحت تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند نسبت به گروه کنترل، بیشتر است. از یافته‌های این پژوهش می‌توان برای بهبود پیشرفت تحصیلی و انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان استفاده کرد؛ بنابراین، می‌توان گفت هدف همه فعالیت‌های آموزشی بهبود انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است که در سایه آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌تواند افزایش معناداری داشته باشد؛ بنابراین، در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که مدرسه نخستین نهاد رسمی هست که از طریق معلمان، گروه همسالان، جو مدرسه و برنامه درسی تعلیمات مدنی دانش‌آموزان را هم به نحوه کار اجتماع محدودشان (مدرسه) و هم جامعه‌ای قادر می‌کند که در آن سهمی خواهند داشت و بالطبع از حقوق و مسئولیت‌هایی برخوردار خواهند شد. در این رابطه نقش معلمان به‌عنوان افرادی که در بالاترین سطح از تعامل میان فردی با دانش‌آموزان قرار دارند و الگویی قابل مشاهده و در دسترس برای سازندگان فردای اجتماع تلقی می‌شوند، قابل بررسی و تأمل است؛ بنابراین، طبق نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود که طرح دقیق و عمیق اخلاق، همراه با تمثیل و طرح سؤالاتی از دانش‌آموزان در زمینه مثال‌های مطرح شده انجام شود. تشویق دانش‌آموزان به مطالعه کتاب‌های اخلاقی انجام شود و مباحثات اخلاقی با رهبری معلم و پیرامون احساسات و ارتباطات شخصی و نکات اخلاقی آن بحث شود و در اجرای نمایش‌ها دانش‌آموز خود نقش‌های مثبت و سازنده ایفا کند و فیلم‌های اخلاقی، از رفتارهای واقعی بچه‌ها ضبط شود و برای شناخت بیشتر از خودش به او عرضه شود تا دانش‌آموزان را در موقعیت هیجانی قرار دهند تا بتوانند مسائل اخلاقی و شخصی خود را حل کنند و برای بالا بردن و توسعه درک آن‌ها، تجربیات دیگران در اختیار آن‌ها قرار گیرد.



منابع

- رادمنش، عصمت و سعدی پور، اسماعیل (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی در انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر تهران، مجله روان شناسی مدرسه؛ ۶(۲): ۳۴-۵۰.
- قلی‌زاده، آذر، کشتی‌آرای، نرگس و سهرابی‌رنانی، مریم (۱۳۹۰). مهارت‌های مدیریت تنوع فرهنگی پاسخی به مطالبات دانش‌آموزان اقلیت‌های قومی و مذهبی، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۲(۲): ۴۵-۶۰.
- موسوی، اعظم السادات، فتاحی، بهاره، زارع بیدکی، فاطمه و فلاح، ریحانه (۱۳۹۴). نقش معلم در تربیت اخلاقی جامعه. اولین کنفرانس علمی پژوهشی راهکارهای توسعه و ترویج آموزش علوم در ایران.
- وحدانی اسدی، محمدرضا، نوروزی، داریوش، فردانش، هاشم، علی‌آبادی، خدیجه، باقری، خسرو (۱۳۹۵). اعتباریابی الگوی طراحی آموزشی، برای آموزش اخلاق، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی؛ ۱۲(۴۰): ۱۹۱-۲۱۱.
- Biesta, G. (2015). What is education for? On good education, teacher judgement, and educational professionalism. *European Journal of Education*, 50(1): 75-87.
- Benz, C. R., Ridenour, C. S. and Newman, I. (2008). Mixed methods research: Exploring the interactive continuum. SIU Press.
- Creswell, J. W. (2014). *A concise introduction to mixed methods research*. Sage Publications.
- Costa, A. C., Fulmer, C. A. and Anderson, N. R. (2018). Trust in work teams: An integrative review, multilevel model, and future directions. *Journal of Organizational Behavior*, 39(2): 169-184.
- Decety, J., Cowell, J. M., Lee, K., Mahasneh, R., Malcolm-Smith, S., Selcuk, B., and Zhou, X. (2015). The negative association between religiousness and children's altruism across the world. *Current Biology*, 25(22): 2951-2955.
- Farnia, V., Mousavi, S. A., Parsamehr, A., Alikhani, M., Golshani, S., Nooripour, R. and Moradi, M. (2017). The mediating role of emotional intelligence in coping strategies and test anxiety in students of Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran in 2013-2014. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 11(4).
- Gholizadeh, A., Keshti Arai, N. and Sohrabi Renani, M. (2011). Cultural Diversity Management Skills Responding to the Demands of Students of Ethnic and Religious Minorities, *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 2(2): 45-60. (Text in Persian).
- Killen, M. and Smetana, J. G. (2015). Origins and development of morality.



- Handbook of child psychology and developmental science*, 3(7): 701-749.
- Mehraban, M., Amirkhani, A. and Abolqasemi, M. (2019). Identification of spiritual leadership factors and indicators in secondary schools. *Iranian journal of educational sociology*, 2(1): 82-93.
- Mousavi, A., Fattahi, B., Zare Bidaki, F. and Falah, R. (2015). The role of the teacher in the moral education of society. *The first scientific research conference on strategies for the development and promotion of science education in Iran*, Tehran, Iran (Text in Persian).
- Radmanesh, E. and Saadipour, E. (2017). The effectiveness of social skills training in motivation and academic achievement of female high school students in Tehran. *School Psychology*, 6 (2): 44-63 (Text in Persian).
- Raine, S. P. (2017). Ethical issues in education: Medical trainees and the global health experience. *Best Practice & Research Clinical Obstetrics & Gynaecology*, 43, 115-124.
- Turiel, E. (2015). Moral development. *Handbook of child psychology and developmental science*, 1-39.
- Toom, A., Husu, J. and Tirri, K. (2015). *Cultivating student teachers' moral competencies in teaching during teacher education*. In *International Teacher Education: Promising Pedagogies (Part C)* (pp. 11-31). Emerald Group Publishing Limited.
- Vahdani Asadi, M.R., Norouzi, D., Fardanesh, H., Aliabadi, Kh., Bagheri, Kh. (2016). Validation of educational design template, for teaching ethics. *Journal of Educational Psychology*, 12 (40): 191-211. (Text in Persian).
- Viner, R. M., Hargreaves, D. S., Ward, J., Bonell, C., Mokdad, A. H. & Patton, G. (2017). The health benefits of secondary education in adolescents and young adults: An international analysis in 186 low-, middle-and high-income countries from 1990 to 2013. *SSM-population health*, 3: 162-171.
- White, J. H., Peirce, A. G. and Jacobowitz, W. (2019). The relationship amongst ethical position, religiosity and self-identified culture in student nurses. *Nursing ethics*, 26(7-8): 2398-2412.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز جمع علوم انسانی



How to Train Tolerance and Respect for others' Thoughts and Ethics and Literacy in the School's Environment Case Study: Ardabil's Elementary Students

Esmael Soleimani*¹, Roghieh Nooripour², Hasan Akbari³
and Simin Hoseinian⁴

Abstract

The purpose of the present study was to study the tolerance and respect for the thoughts of others and ethics and literacy in the school environment for the elementary students of the city of Ardabil. To achieve this goal, a case study was used in which first quantitative data and then based on its findings, quantitative data were collected and analyzed based. In the next stage, based on the findings of the qualitative research, a questionnaire was prepared, with Cronbach's alpha of 0.90. The statistical population of the study was elementary teachers in the city of Ardabil; In the qualitative section and using a targeted sampling, 13 sample teachers were interviewed and from 253 community members, 114 individuals were selected in a quantitative phase by simple random sampling. To analyze the data, the thematic analysis (theme) technique was used and the validity of the research findings was guaranteed using the methods reviewed by the members, peer review, and research participation. Also, to test the reliability of the coding, the open-ended and inter-subject agreement methods were used. In order to analyze the quantitative data, structural equation modeling was used with PLS software. The findings of the study showed that teachers referred to the teaching of philosophy for children, holding cultural workshops for parents, producing moral content, teaching on cultural diversity, improving student communication skills, creating group discussion in class, appreciating ethical students, performing the ethics training program as

1.* corresponding author: Associate Professor, Department of Psychology, Urmia University, Azerbaijan-e-Gharbi, Urmia, Iran E.soleimani@urmia.ac.ir

2. PhD of Counseling, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran nooripour.r@gmail.com

3. PhD of Educational Management, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

4. Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran Hosseins1381@yahoo.com

DOI: 10.22051/jontoe.2020.22405.2373

<https://jontoe.alzahra.ac.ir/>

components of teaching tolerance and respect for others' thoughts and ethics and literacy in the school environment. The results of the quantitative phase showed that the model has a proper fit and all of these components are considered important by teachers.

Keywords: *Education, Tolerance of others' thoughts, Politeness, Ethics, Ardabil*

